

سوال

طلاق چه انواعی دارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

طلاق بنا بر اعتبارهای گوناگون، بر چند نوع است:

نخست:

انواع طلاق به اعتبار حکم آن (شرعی یا غیر شرعی بودن آن).

فقها طلاق را از نظر حکم شرعی اش به چند نوع تقسیم می‌کنند:

۱- طلاق جایز موافق با شریعت که آن را «طلاق سنی» می‌نامند یعنی یک طلاق دادن زن در حال حاملگی یا در حالت پاکی که در آن جماع صورت نگرفته باشد.

۲- طلاق ممنوع مخالف شرع که آن را «طلاق بدعی» گویند.

که این طلاق بدعی بر دو نوع است:

الف- طلاقی که از نظر وقتش بدعی است، مانند آنکه زنی را که حاملگی اش مشخص نشده و عده بر او لازم است، در حالی که حیض است یا در حالت پاکی است اما در آن پاکی با او جماع کرده است، طلاق دهد، ولی اگر مشخص شد که بارداری است طلاقش جایز است حتی اگر در آن پاکی با او جماع کرده باشد. همینطور کسی که عده بر او لازم نیست، مانند زنی که بر او داخل نشده باشد، پس اگر این زن را در حال حیض طلاق دهد، آن طلاق سنی است. یا اگر از زنانی است که حیض نمی‌شود مانند زنی که سنش کم است یا سنش زیاد است [و به سبب پیری حیض نمی‌شود] که در این صورت اشکالی ندارد که او را طلاق دهد.

ب- طلاق بدعی از نظر تعداد طلاق، مانند آنکه او را بیش از یک طلاق دهد و بگوید: تو دو طلاقه هستی یا بگوید: تو سه

طلاقه هستی؛ زیرا سنت آن است که او را یک طلاق دهد.

علما درباره وقوع طلاق بدعی اختلاف نظر دارند و قول برگزیده نزد ما آن است که واقع نمی‌شود و طلاق سه‌گانه یک طلاق به شمار می‌آید.

ثانیا:

انواع طلاق به اعتبار الفاظ آن.

علما طلاق را به اعتبار لفظ آن به دو نوع صریح و کنایه تقسیم کرده‌اند.

صریح آن است که از لفظ آن چیزی جز طلاق دانسته نمی‌شود، مانند آنکه مرد به زنش بگوید: تو طلاق داده شده‌ای، یا تو مطلقه‌ای، یا تو را طلاق دادم. این طلاق واقع می‌شود، چه شوهر نیت طلاق داشته باشد و چه نیت طلاق نداشته باشد.

اما کنایه: لفظی است که احتمال طلاق یا غیر آن را دارد، مانند اینکه مرد به زنش بگوید: تو رها شده‌ای، یا امر تو به دست خودت است، یا به نزد خانواده‌ات برو، یا به تو نیازی ندارم و مانند این الفاظ.

در این نوع الفاظ، نیت شخص مهم است و اگر نیت شوهر طلاق باشد، واقع می‌شود، و در غیر این صورت طلاق واقع نمی‌شود.

ثالثا:

انواع طلاق به اعتبار اثر آن.

طلاق از نظر اثری که بر آن مترتب می‌شود بر دو نوع است:

۱- طلاق رجعی و آن در صورتی است که مرد همسر خود را طلاق اول یا طلاق دوم به غیر عوض بدهد که در این صورت جایز است پیش از پایان عده زن به او بازگردد.

۲- طلاق بائن که این بائن بودن بر دو نوع است:

الف- بینونه بزرگ و آن در صورتی است که شوهر، زنش را طلاق سوم بدهد؛ در این صورت ازدواج با آن زن بر او حلال نیست مگر در صورتی که آن زن با مردی دیگر ازدواج صحیح کند، سپس از او جدا شود.

ب- بینونه کوچک: به این صورت که مرد، زنش را طلاق اول یا دوم بدهد، سپس عده زن به پایان برسد، یا آنکه مرد در

مقابل یک عوض، زنش را طلاق دهد که این را «خُلْع» می‌نامند یا آنکه مرد، همسرش را پیش از داخل شدن بر او طلاق دهد. در این حالات جایز است که مرد دوباره با زنش ازدواج کند اما با عقد و مهریه جدید.

چهارم:

انواع طلاق از نظر انجام شدن یا معلق بودن.

که بر دو نوع است:

۱- طلاق منجز یا ناجز (اتفاق افتاده) مانند آنکه مرد به زنش بگوید: تو را طلاق دادم، یا از الفاظ کنایه استفاده کند اما نیت طلاق داشته باشد، بدون آنکه طلاق را به شرطی معلق کند.

۲- طلاق معلق به شرط که بر سه نوع است:

الف- اینکه یک شرط محض باشد؛ در این صورت طلاق در هر صورت واقع می‌شود، مانند آنکه بگوید: اگر خورشید غروب کرد تو طلاق داده شده‌ای، یا اگر غروب کرد طلاق می‌شوی؛ زیرا این طلاق را به یک شرط محض معلق کرده است.

ب- اینکه سوگند محض باشد؛ در این صورت نیز طلاق واقع نمی‌شود و کفاره سوگند لازم می‌شود. مانند آنکه بگوید: اگر با زید حرف زد، زیم طلاق است و منظورش امتناع از سخن گفتن با زید باشد. این سوگند محض است؛ زیرا رابطه‌ای بین سخن گفتن با زید و طلاق همسرش نیست.

ج- اینکه سخنش هم احتمال شرط محض را داشته باشد و هم احتمال سوگند محض. در اینجا به نیت شخص رجوع می‌شود. مثلاً اگر به همسرش بگوید: اگر از خانه بیرون رفتی طلاق داده شده‌ای. اینجا احتمال دارد که قصد او شرط بوده به این معنی که اگر زنش از خانه بیرون برود دیگر او را نمی‌خواهد و طلاقش واقع می‌شود. در این حالت او خواهان طلاق است.

و این احتمال هم هست که منظورش وقوع طلاق نیست بلکه همسرش را می‌خواهد حتی اگر از خانه بیرون برود و قصد طلاق او را ندارد، اما از او می‌خواهد که از خانه بیرون نرود و هدفش بیرون نرفتن اوست و برای تهدید، بیرون رفتن او را به طلاق معلق کرده است. در این حالت اگر زن از خانه بیرون برود طلاق واقع نمی‌شود زیرا هدف از این حرف، سوگند بوده است [نه وقوع طلاق].

«الشرح الممتع» (۱۳/۱۲۶) را ببینید.

خواندن کتاب «الطلاق» نوشته دکتر عوض الشهري را که رساله فوق لیسانس ایشان را توصیه می‌کنیم.



والله اعلم.